

نشانه‌ استمرار در لهجه‌ها و گویش‌های ایرانی

ایران کلباسی (پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)

مقدمه

پژوهشگرانی که در زمینه زبان فارسی و گویش‌های ایرانی مطالعه می‌کنند، اطلاع دارند که خاورشناسان غربی، سال‌ها قبل، گویش‌های ایرانی را، بر اساس موازین آواشناسی تاریخی، به دسته‌هایی چون شرقی، شمال غربی و جنوب غربی تقسیم کرده‌اند. نتیجه این تقسیم‌بندی این شده است که امروزه همه ما، به عنوان پژوهشگر ایرانی، بدون هیچ‌گونه تفکری درباره صحت یا سقم آن، این تقسیم‌بندی را پذیرفته‌ایم و در نوشته‌های خود به کار می‌بریم.

برای نگارنده، که سال‌ها علاقه خود را به مطالعات گویشی معطوف داشته، گاهی پرسش‌هایی در این باره مطرح شده است. مثلاً چرا ما گویش‌های کناره دریای خزر، چون گیلکی و مازندرانی، و گویش‌های مرکزی، چون دری زردشتی و گزی، را جزو یک طبقه می‌دانیم و آنها را در دسته گویش‌های شمال غربی قرار می‌دهیم، در صورتی که این گویش‌ها از نظر ساخت دستوری با یکدیگر تفاوت فاحشی دارند. قرار دادن گویش‌هایی چون بندرعباسی و جیرفتی با فارسی امروز در طبقه جنوب غربی نیز سؤال‌برانگیز است، چون تفاوت دستوری این نوع گونه‌های زبانی نیز کاملاً محسوس است.

برای یافتن پاسخ این‌گونه پرسش‌ها، به نظر من، اگر نکات دستوری واحدی را در گویش‌های مختلف ایرانی مورد بررسی قرار دهیم، شاید بتوانیم، از طریق شباهت‌ها و تفاوت‌های دستوری به دست آمده، به طبقه‌بندی‌های جدید گویشی دست یابیم. البته

این نوع طبقه‌بندی بر اساس ملاک‌های دستوری و موازین زبان‌شناختی توصیفی خواهد بود، و نه صرفاً بر اساس معیارهای آواشناختی، که مثلاً صدای [b] در فلان گویش [b] است یا [v]، چون «باران» و «واران»؛ یا صدای [d] در گویش دیگر [d] است یا [z]، چون «داماد» و «زاماد».

نگارنده در این راستا تا کنون چهار نکته دستوری را در گویش‌های ایرانی مورد بررسی قرار داده و نتایج به دست آمده را در مقالات زیر منعکس کرده است:

۱. «ارگتیو در زبان‌ها و گویش‌های ایرانی»، مجله زبان‌شناسی، س ۵، ش ۲، ۱۳۶۷. این مقاله حاصل بررسی پانزده گویش ایرانی است.

۲. «نشانه جمع در لهجه‌ها و گویش‌های ایرانی»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، س ۲۷، ش ۲، ۱۳۷۳. در این مقاله، بیست لهجه و گویش ایرانی مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

۳. «نقش و جای شناسه فعلی و ضمیر پیوسته در گویش‌های ایرانی». این مقاله، که نتیجه بررسی سی لهجه و گویش ایرانی است، در پنجمین فراهمایی (کنفرانس) زبان‌شناسی (اسفند ۱۳۷۹)، در دانشگاه علامه طباطبائی، به صورت سخنرانی ایراد گردید.

۴. مقاله حاضر که، با عنوان «نشانه استمرار در لهجه‌ها و گویش‌های ایرانی»، در نخستین هم‌اندیشی گویش‌شناسی ایران (اردیبهشت ۱۳۸۰) در فرهنگستان زبان و ادب فارسی به صورت سخنرانی ایراد گردید. این مقاله حاصل بررسی هفتاد و یک لهجه و گویش ایرانی است.^۱

۱) لهجه‌ها و گویش‌های بررسی شده در این مقاله عبارت‌اند از: آرانی، ابانه‌ای، آفتری، بلوچی، بندرعباسی، بورینگونی، پاپونی، تانی تاکستان، تانی کلور، تانی ینگلی امام، تاجیکی، تالشی اسالم، تالشی طاسکوه ماسال، تالشی میرزاق اردبیل، جوشقانی، جیرفتی، خانیکی، خنجی، خوانساری، دری زردشتی، دلیجانی، دماوندی، دوانی، زابلی، سیزواری، سدهی، سُغونی، سمنانی، شاهرودی، لوزی، فارسی، قانلی، کاخکی، کردی خراسان، کردی روستای حریر، کردی سلیمانیه، کردی سنندج، کردی کرمانشاه، کردی کلیایی، کردی مهاباد، گُزُشی، گویش کلیمیان اصفهان، گویش کلیمیان بروجرد، گویش کلیمیان همدان، گراشی، گزی، گیلکی املش، گیلکی حسن‌کیاده، گیلکی دستک، گیلکی رشت، گیلکی لشت‌نشاء، لاری، لری بختیاری اردل، لری بختیاری مسجدسلیمان، لری بویراحمد، لری بهبهان، لکی خواجه‌وندی کلاردشت، لکی درّه‌شهر، لکی کاکاوندی قزوین، مازندرانی تنکابن، مازندرانی رامسر، مازندرانی ساری، مازندرانی سوادکوه، مازندرانی کلاردشت، مازندرانی کلیچ خیل، ماسرمی، میمه‌ای، نائینی، واران، هروی و همدانی.

تعریف استمرار در زبان

استمرار^۲ اصطلاحی است که در تحلیل دستوری نمود^۳ به کار می‌رود و به تداوم عمل در دوره‌ای از زمان اطلاق می‌شود.

انواع استمرار در گویش‌های ایرانی

استمرار، در لهجه‌ها و گویش‌های ایرانی، در زمان‌های حال و گذشته وجود دارد و دارای نشانه‌های متعددی است. این نشانه‌ها، در این مقاله، به ۲۱ طبقه کلی تقسیم شده‌اند:

۱. [da-]

این پیشوند به معنی «در» و دارای انواع زیر است:

الف. [da-]، که در کردی مهاباد و کردی خراسان به کار می‌رود و در جاهای زیر قرار می‌گیرد:

– در آغاز فعل، قبل از ستاک فعلی

- 1) da-hēn-im (کردی مهاباد)
می‌آورم (کردی خراسان) da-xāst-em

– در آغاز فعل، قبل از ضمیر فاعلی

- 2) da-m-hēnâ (کردی مهاباد)
می‌آوردم (کردی مهاباد)

– بین ضمیر فاعلی و ستاک فعلی

- 3) me-da-čānd (کردی خراسان)
می‌کاشتم (کردی مهاباد) na-m-da-hēnâ

ب. [de-]، که در گویش وارانیه کاربرد دارد و در آغاز فعل قبل از ستاک فعلی قرار می‌گیرد:

- 4) de-gard-a (وارانیه)
می‌گردد (وارانیه)

ج. [d-]، که در گویش خوانساری به کار می‌رود و پس از پیشوندهای مختوم به واکه می‌آید:

- 5) hâ-d-gir-ân (خوانساری)
می‌گیرم (خوانساری) vâ-d-xor-ân
می‌نوشم (خوانساری)

نمی‌خورم (خوانساری) nâ-d-xor-ân

د. [ed-]، که در گویش خوانساری کاربرد دارد و با افعال بدون پیشوند به کار می‌رود:

- 6) می‌بزم (خوانساری) ed-ber-ân
می‌گریست (خوانساری) ed-boroft-φ

۲. [a-]

این پیشوند که، به احتمال قریب به یقین، کوتاه‌شده [da-] است در جاهای زیر قرار می‌گیرد:

– در آغاز فعل، قبل از ستاک فعلی، که در گویش‌های کردی روستای حریر، کردی سلیمانیه، کردی سنندج، کردی کلیایی، آرنی، تالش‌ی اسالم، دلیجانی، جیرفتی، جوشقانی، خنجی، اوزی، بندرعباسی، لاری، گراشی، میمه‌ای، بلوچی، کرشی و وازانی کاربرد دارد:

- 7) می‌خوردم (کردی روستای حریر) a-xwârd-em

می‌فرستم (کردی سلیمانیه) a-nêr-im

می‌خورم (کردی سنندج) a-xwa-m

می‌نشینم (کردی کلیایی) a-nîš-em

می‌خورم (آرنی) a-xor-o

می‌رفتم (تالش‌ی اسالم) a-šî-m

می‌روم (دلیجانی) a-š-on

می‌زنم (جیرفتی) a-zen-om

می‌روم (جوشقانی) a-š-am

می‌بینی (خنجی) a-ben-eš

می‌بافی (اوزی) a-bâi-eš

می‌کارم (بندرعباسی) a-kâr-om

می‌زنم (لاری) a-zen-em

می‌روم (گراشی) a-č-am

می‌رود (میمه‌ای) a-š-e

می‌شکنم (بلوچی) a-prōš-ân

می‌روم (کرشی) a-rr-ân

می‌خواند (وازانی) a-xun-e

– در آغاز فعل، قبل از ضمیر فاعلی، که در گویش‌های میمه‌ای، دلیجانی و کردی

سنندج به کار می‌رود:

- 8) a-m-ka می‌کردم (میمه‌ای)
a-m-di می‌دیدم (دلجانی)
a-m-xwârd می‌خوردم (کردی سنندج)

– در آغاز فعل، قبل از ضمیر مفعولی، که در گویش میمه‌ای کاربرد دارد:

- 9) a-m-xus-e می‌زندم (میمه‌ای)

– بین ضمیر فاعلی و ستاک فعلی، که در گویش‌های آرنی، بندرعباسی، جوشقانی و

خنجی به کار می‌رود:

- 10) d-a-vâ می‌گفتی (آرنی)
m-a-ra می‌رفتم (بندرعباسی)
m-a-goft-i می‌گفتمش (بندرعباسی)
m-a-ka می‌کردم (جوشقانی)
m-a-got-e می‌گفته‌ام (خنجی)

– بین پیشوند اشتقاقی و ستاک فعلی، که در گویش‌های آرنی و دلجانی به کار

می‌رود:

- 11) ho-[v]a-čîn-o می‌نشینم (آرنی)
ver-a-čen-on برمی‌چینم (دلجانی)

– بین پیشوند نفی و ستاک فعلی، که در گویش آرنی کاربرد دارد:

- 12) hâ-n-a-čîn-o نمی‌نشینم (آرنی)

– بین ضمیر مفعولی و ستاک فعلی، که در گویش‌های بندرعباسی و لاری به کار

می‌رود:

- 13) m-a-zen-i می‌زنی‌أم (بندرعباسی)
š-a-zen-em می‌زنمش (لاری)

– بین جزء غیرفعلی و جزء فعلی، در فعل مرکب، که در گویش دلجانی به کار

می‌رود:

- 14) abar-a-kar-a بیرون می‌کند (دلجانی)

۳. [e-] یا [-e]

این وند هم به صورت پیشوند و هم به صورت پسوند به کار می‌رود و در جاهای زیر قرار می‌گیرد:

– در آغاز فعل، قبل از ستاک فعلی، که در گویش‌های ایبانه‌ای، لری بختیاری مسجدسلیمان، لری بختیاری اردل، خوانساری، واران‌ی و دری زردشتی کاربرد دارد:

- 15) e-voĵ-on (ایبانه‌ای) می‌گویم
 e-rev-om (لری بختیاری مسجدسلیمان) می‌روم
 e-r-om (لری بختیاری اردل) می‌روم
 e-čĉ-ân (خوانساری) می‌آیم
 e-gez-a (واران‌ی) می‌گذرد
 (e)-vin-i (دری زردشتی) می‌بینی

– در آغاز فعل، قبل از پیشوند نفی، که در دری زردشتی به کار می‌رود:

- 16) (e)-na-dav-i (دری زردشتی) نمی‌دوی

– بین ضمیر فاعلی و ستاک فعلی، که در گویش‌های خوانساری، ایبانه‌ای و دری زردشتی کاربرد دارد:

- 17) em-e-bert (خوانساری) می‌بُردم
 m-e-vot (ایبانه‌ای) می‌گفتم
 m-e-did (دری زردشتی) می‌دیدم

– بین ضمیر فاعلی و پیشوند نفی، که در گویش دری زردشتی کاربرد دارد:

- 18) m-e-na-did (دری زردشتی) نمی‌دیدم

– بین پیشوند اشتقاقی و ستاک فعلی، که در گویش‌های ایبانه‌ای و خوانساری به کار می‌رود:

- 19) ho-[v]e-čĉin-on (ایبانه‌ای) می‌نشینم
 der-e-xoft-φ (خوانساری) می‌خواهید

– در پایان فعل، پس از شناسه فعلی، که در گویش‌های گزی، سده‌ی، دری زردشتی و گویش کلیمیان اصفهان به کار می‌رود:

- 20) xer-ân-e (گزی) می‌خورم
 âr-ân-e (سده‌ی) می‌آورم
 na-dav-im-e (دری زردشتی) نمی‌دویم
 puš-un-e (گویش کلیمیان اصفهان) می‌پوشم

۴. [i-] یا [-i]

این وند هم به صورت پیشوند و هم به صورت پسوند به کار می‌رود و در جاهای زیر قرار می‌گیرد:

— در آغاز فعل، قبل از ستاک فعلی، که در گویش‌های لری بویراحمد و لری بختیاری اردل کاربرد دارد:

- 21) i-rav-om (لری بویراحمد)
می‌روم
i-šmard-om (لری بختیاری اردل)
می‌شمردم

— بین ستاک فعلی و شناسه فعلی، که در گویش‌های تالشی طاسکوه ماسال، گیلکی لشت‌نشاء و گیلکی رشت کاربرد دارد:

- 22) vin(d)-i-m (تالشی طاسکوه ماسال)
می‌دیدم
š-i-φ (تالشی طاسکوه ماسال)
می‌رفت
xast-i-φ (گیلکی لشت‌نشاء)
می‌خواست
xurd-i-m-(i) (گیلکی رشت)
می‌خوردم
xurd-i-φ (گیلکی رشت)
می‌خورد

برای این که نقش [i] در گویش‌های اخیر بهتر شناخته شود، به گذشته ساده شواهد مذکور توجه فرمایید:

- vind-əm-a (تالشی طاسکوه ماسال)
دیدم
š-a (تالشی طاسکوه ماسال)
رفت
bə-xast-ə (گیلکی لشت‌نشاء)
خواست
bu-xurd-əm (گیلکی رشت)
خوردم
bu-xurd-ə (گیلکی رشت)
خورد

— در پایان فعل، پس از شناسه فعلی، که در گویش‌های گیلکی حسن‌کیاده و گیلکی رشت دیده شده است:

- 23) xor-id-i (گیلکی حسن‌کیاده)
می‌خوردید
xor-im-i (گیلکی حسن‌کیاده)
می‌خوریم
xur-id-i (گیلکی رشت)
می‌خوردید
xur-id-i (گیلکی رشت)
می‌خوردند

۵. [-imi]

این وند، به صورت پسوند، بین ستاک فعلی و شناسه فعلی قرار می‌گیرد و تنها در گویش مازندرانی کلاردشت دیده شده است:

- 24) xor(d)-imi-yame (مازندرانی کلاردشت)
می‌خوردم
bar(d)-imi-yame (مازندرانی کلاردشت)
می‌بردم

گذشته ساده مثال‌های اخیر به صورت زیر است:

خوردم (مازندرانی کلاردشت) ba-xord-eme

بردم (مازندرانی کلاردشت) ba-berd-eme

۶. [-en]

این‌وند، به صورت پسوند، پس از ستاک فعلی قرار می‌گیرد. به نظر می‌رسد کوتاه‌شده واژه [andar] باشد و دارای گونه‌های زیر است:

الف. [-en] یا [-ən]، که در گویش‌های مازندرانی کلاردشت، مازندرانی تنکابن، مازندرانی سوادکوه، مازندرانی رامسر و تالش می‌رزاق اردبیل به کار می‌رود:

۲۵) می‌نشیند (مازندرانی کلاردشت) niš-en-e

می‌سوزم (مازندرانی تنکابن) suj-ən-om

می‌پزم (مازندرانی تنکابن) pač-ən-om

می‌سوختم (مازندرانی تنکابن) suj/sut-ən-ə-bā-m

می‌خورند (مازندرانی سوادکوه) xer-en-ne

می‌افتادم (مازندرانی رامسر) kat-ən-ā-bā-m

می‌شنوم (تالش می‌رزاق اردبیل) mas-ən-am

ب. [-(e)m]، که در گویش‌های مازندرانی ساری، مازندرانی سوادکوه و مازندرانی

کلیچ خیل به کار می‌رود:

۲۶) می‌روم (مازندرانی ساری) šu-m-be

می‌خورم (مازندرانی سوادکوه) xer-em-be

می‌خورم (مازندرانی کلیچ خیل) xer-em-be

ج. [-n]، که در گویش‌های مازندرانی ساری، مازندرانی سوادکوه، مازندرانی

تنکابن، مازندرانی کلاردشت و تالش می‌رزاق اردبیل به کار می‌رود:

۲۷) می‌خورد (مازندرانی ساری) xor-n-e

می‌خوری (مازندرانی سوادکوه) xer-n-i

می‌روم (مازندرانی تنکابن) šo-n-om

می‌خورد (مازندرانی کلاردشت) xor-n-e

می‌نشینم (تالش می‌رزاق اردبیل) neš-n-am

د. [-(e)nn]، که در افتری کاربرد دارد:

۲۸) می‌خواهم (افتری) xos-enn-i

می‌گویم (افتری) vā-nn-i

۷. [hemi-]

این‌وند، به صورت پیشوند، قبل از ستاک فعلی قرار می‌گیرد و تنها در گویش شاهرودی به کار می‌رود و دارای انواع زیر است:

الف. [hemi-]

- 29) hemi-yā-yom (می‌آیم (شاهرودی)
hemi-bi-yom (می‌شدم (شاهرودی)

ب. [hen-]

- 30) hen-g-om (می‌گویم (شاهرودی)
hen-pūš-om (می‌پوشم (شاهرودی)
var-hen-gerd-om (برمی‌گردم (شاهرودی)

ج. [he-]

- 31) he-raft-om (می‌رفتم (شاهرودی)
he-r-om (می‌روم (شاهرودی)
he-š-om (می‌شوم (شاهرودی)

د. [ho(n)-]

- 32) hon-goft-φ (می‌گفت (شاهرودی)
ho-xān-om (می‌خوانم (شاهرودی)

گونه‌های [hemi-] تابع بافت آوایی فعل است.

۸. [mi-]

این‌وند، به صورت پیشوند، قبل از ضمیر فاعلی و قبل از ستاک فعلی یا بعد از پیشوند اشتقاقی قرار می‌گیرد. [mi-] گونه‌های مختلفی دارد که واژه هر یک از آنها به تبعیت از واژه بعد از خود و یا نوع گویش تغییر می‌کند. این گونه‌ها عبارت‌اند از:

الف. [mi-]، که علاوه بر فارسی و لهجه‌های آن در گویش‌های لری بهبهان، تاتی ینگلی امام، لکی کاکاوندی قزوین، هروی، افتری، ماسر می، سمغونی، پاپونی، سمنانی، تاتی تاکستان و بورینگونی به کار می‌رود:

- 33) mi-m-dit (می‌دیدم (لری بهبهان)
mi-soxt-am (می‌سوختم (لری بهبهان)
mi-xet-em (می‌خوابیدم (تاتی ینگلی امام)
mi-yes-em (می‌خوابیم (لکی کاکاوندی قزوین)

- mi-duz-a (می‌دوزد (هروی)
 mi-xotešt-i (می‌خوابیدم (افتری)
 mi-kun-om (می‌کنم (ماسر می)
 mi-kun-am (می‌کنم (شُمعفونی)
 mi-kon-am (می‌کنم (پاپونی)
 mi-y-un (می‌آیم (سمنانی)
 mi-rj-em (می‌ریزم (تاتی تاکستان)
 mi-kun-om (می‌کنم (بورینگونی)

ب. [mo-]، که در گویش‌های لری بهبهان، سبزواری، تاتی تاکستان، قائنی، دماوندی و سمنانی به کار می‌رود:

- 34) mo-dov-am (می‌دوم (لری بهبهانی)
 mo-br-om (می‌بُرم (سبزواری)
 mo-xārd-em (می‌خوردم (تاتی تاکستان)
 mo-xor-om (می‌خورم (قائنی)
 da-mo-xos-am (می‌خوابم (دماوندی)
 mo-pors-am (می‌پُرسم (دماوندی)
 mo-xor-un (می‌خورم (سمنانی)

ج. [ma-]، که در گویش‌های لکی خواجهوندی کلاردشت، لکی کاکاوندی قزوین، لکی درّه‌شهر، خانیکی و کاخکی کاربرد دارد:

- 35) ma-iaf-em (می‌افتم (لکی خواجهوندی کلاردشت)
 ma-č-em (می‌روم (لکی کاکاوندی قزوین)
 ma-xan-əm (می‌خندم (لکی درّه‌شهر)
 ma-xor-om (می‌خورم (خانیکی)
 var-ma-xun-om (می‌خوانم (کاخکی)

د. [mā-]، که در لهجه همدانی کاربرد دارد:

- 36) mā-xāb-am (می‌خوابم (همدانی)
 mā-xābid-am (می‌خوابیدم (همدانی)

ه. [me-]، که در گویش‌های لری بهبهان، سبزواری، دماوندی، تاتی تاکستان، زابلی، قائنی و سمنانی کاربرد دارد:

- 37) me-šin-am (می‌نشینم (لری بهبهان)
 me-xārd-om (می‌خوردم (سبزواری)

- me-dut-am می‌دوختم (دماوندی)
 me-xanden-em می‌خندانم (تاتی تاکستان)
 me-g-i می‌گویی (زابلی)
 me-xer-om می‌خرم (قائنی)
 me-nin-un می‌نشینم (سمنانی)

و. [mē-] با [ē] کشیده، که در گویش‌های تاجیکی و هروی به کار می‌رود:

- 38) mē-rav-ēm می‌رویم (تاجیکی)
 mē-raft-ēm می‌رفتم (تاجیکی)
 mē-rēz-a می‌ریزد (هروی)

ز. [mey-]، که در گویش دوانی به کار می‌رود:

- 39) mey-ven-e می‌بندم (دوانی)
 mey-či-ye می‌نشینم (دوانی)

ح. [m-]، که در گویش‌های لکی خواجهوندی کلاردشت، لکی درّه‌شهر، لکی کاکاوندی قزوین، زابلی و تاتی تاکستان کاربرد دارد:

- 40) m-ār-em می‌آورم (لکی خواجهوندی کلاردشت)
 m-ār-əm می‌آورم (لکی درّه‌شهر)
 m-ār-əm می‌آورم (لکی کاکاوندی قزوین)
 m-xār-a می‌خورد (زابلی)
 m-āĵ-e می‌گوید (تاتی تاکستان)

ط. [o-] که در لری بختیاری اردل کاربرد دارد:

- 41) o-g-om می‌گویم (لری بختیاری اردل)

۹. [â-] یا [-â]

این وند، به صورت پیشوند یا پسوند، قبل یا بعد از ستاک فعلی قرار می‌گیرد و دارای گونه‌های زیر است:

الف. [â]، که هم به صورت پیشوند و هم به صورت پسوند به کار می‌رود. در بعضی از گویش‌ها مانند خنجی پیشوند [â-] از ترکیب وند استمرار [a-] و واکه قبل از آن به دست می‌آید. این وند در گویش‌های بلوچی، خنجی، کُرسی، گراشی، اوزی، لاری و گویش کلیمیان همدان کاربرد دارد:

- 42) prōšag-â-yân دارم می‌شکنم (بلوچی)

داشتم می‌شکستم (بلوچی) *prōšag-â-yat-ân*
 دارم می‌گویم (بلوچی) *gwašag-â-yân*
 داشتم می‌گفتم (بلوچی) *gwašag-â-yat-ân*
 دارم می‌گویم (خنجی) *got-â-m*
 داشتم می‌گفتم (خنجی) *om-got-â-stod*
 دارم می‌روم (خنجی) *čed-â-m*
 داشتم می‌رفتم (خنجی) *čed-â-stod-om*
 می‌زدیم (خنجی) *m-â-zat*
 نمی‌گویم (خنجی) *n-â-g-om*
 نمی‌گفتم (خنجی) *om-n-â-got*
 نمی‌رفته‌ام (خنجی) *n-â-čest-om*
 دارم می‌کشم (کرشی) *kuštag-â-yân*
 دارم می‌روم (گراشی) *čez-â-'om*
 دارم می‌روم (اوزی) *čed-â-m*
 دارم می‌بینم (اوزی) *ded-â-m*
 دارم می‌روم (لاری) *a-čed-â-'em*
 دارم می‌خواهم (لاری) *a-xat-â-'em*
 می‌خواهیدم (گویش کلیمیان همدان) *dior-ofit-â-yân*

ب. [-'â]، که با همزه آغازی پس از واکه قرار می‌گیرد و در کردی کرمانشاه کاربرد دارد:

43) *bū-'â-m* (کردی کرمانشاه) می‌بودم

گذشته ساده فعل بودن در کردی کرمانشاه به صورت زیر است:

bū-m (کردی کرمانشاه) بودم

ج. [-yâ]، که پس از واکه [i] می‌آید و در کردی کرمانشاه به کار می‌رود:

44) *či-yâ-m* (کردی کرمانشاه) می‌رفتم

درمی‌رفتم (کردی کرمانشاه) *dar-či-yâ-m*

می‌نوشتیم (کردی کرمانشاه) *nūsi-yâ-m*

د. [-iyâ]، که در کردی کرمانشاه به کار می‌رود:

45) *xwârd-iyâ-m* (کردی کرمانشاه) می‌خوردم

می‌نشستم (کردی کرمانشاه) *ništ-iyâ-m*

می‌گفتم (کردی کرمانشاه) *wat-iyâ-m*

گذشته ساده افعال اخیر در کردی کرمانشاه به صورت‌های زیر است:

xward-em (کردی کرمانشاه) خوردم

ništ-em (کردی کرمانشاه) نشستم

wat-em (کردی کرمانشاه) گفتم

۱۰. [ne]

این کلمه، که به معنی «در» است و معمولاً قبل از یک اسم قرار می‌گیرد، در بندرعباسی کاربرد دارد:

46) ne-negâh-en (بندرعباسی) دارد نگاه می‌کند

ne-kâr-an (بندرعباسی) دارند کار می‌کنند

ne-dard-en (بندرعباسی) دارد درد می‌کند

۱۱. [anda-]

این وند، که کوتاه‌شده کلمه [andar] است، در تالشی میرزاتق اردبیل به کار می‌رود:

47) kuy-anda-m (تالشی میرزاتق اردبیل) می‌گویم

juy-anda-m (تالشی میرزاتق اردبیل) می‌جوم

۱۲. [kerâ] یا [kera]

این کلمه همراه با فعل می‌آید و در گویش‌های تاتی کلور و گیلکی رشت کاربرد دارد:

48) kerâ-doĵ-em (تاتی کلور) دارم

kera-xurdən-dər-əm (گیلکی رشت) دارم می‌خورم

۱۳. [awa]

این کلمه، که در اصل به معنی «این» است، با نشانه استمرار [da-] همراه می‌شود و تنها در گویش کردی مهاباد کاربرد دارد:

49) awa-da-fo-m (کردی مهاباد) دارم می‌روم

۱۴. [ma] یا [ba]

این دو کلمه، که به معنی «به» اند، قبل از مصدر قرار می‌گیرند و تنها در گویش‌های بلوچی

وگوشی کاربرد دارند:

- 50) ma/ba-rawag-om (دارم می‌روم (بلوچی)
 ma/ba-warag-om (دارم می‌خورم (بلوچی)
 ma/ba-rawag-at-om (داشتم می‌رفتم (بلوچی)
 ma/ba-warag-at-om (داشتم می‌خوردم (بلوچی)
 ma-rawag-ân (دارم می‌روم (کُرشِی)
 ma-gašag-ân (دارم می‌گویم (کُرشِی)
 ma-rawag-ad-ân (داشتم می‌رفتم (کُرشِی)
 ma-gašag-ad-ân (داشتم می‌گفتم (کُرشِی)

۱۵. [hey] یا [hay]

این کلمات، همراه با نشانه‌های استمرار [mē-, mi-, e-, i-]، در گویش‌های لری بختیاری اردل و هروی به کار می‌روند:

- 51) hey-i-yâ-m (دارم می‌آیم (لری بختیاری اردل)
 hey-u-r-om (دارم می‌روم (لری بختیاری اردل)
 hay-mē-rēz-a (دارد می‌ریزد (هروی)
 hay-hay-mi-duz-a (دارد می‌دوزد (هروی)

۱۶. [bi-] یا [be-]

این دو وند، همراه با نشانه‌های استمرار [d-]، [e-] یا [ma-] در گویش‌های خوانساری، کاخکی، سدهی و گویش کلیمیان همدان دیده شده‌اند:

- 52) bi-d-xus-ân (می‌زنم (خوانساری)
 be-ne-m-ma-raf (نمی‌رفتم (کاخکی)
 be-m-nevešt-e (می‌نوشتم (سدهی)
 be-m-e-xort (می‌خوردم (گویش کلیمیان همدان)

۱۷. فعل استمراری همراه با فعل التزامی

این گونه استمرار تنها در گویش لری بختیاری اردل دیده شده است:

- 53) e-r-om-be-r-om (دارم می‌روم (لری بختیاری اردل)
 i-yâ-m-bi-yâ-m (دارم می‌آیم (لری بختیاری اردل)

۱۸. فعل کمکی «ایستادن»

این گونه استمرار از اسم مفعول فعل اصلی همراه با گذشته نقلی یا گذشته دور فعل ایستادن ساخته می‌شود و تنها در تاجیکی کاربرد دارد:

- دارم می‌روم (تاجیکی) rafta-'istōda-'am (54)
 داشتم می‌رفتم (تاجیکی) rafta-'istōda-bud-am

۱۹. فعل کمکی «داشتن»

این گونه استمرار، علاوه بر فارسی معیار و لهجه‌های آن، در گویش‌های کلیمیان اصفهان، کلیمیان بروجرد، کلیمیان همدان، گزی، جیرفتی، خانیکی، نائینی، سدهی، زابلی، دلیجانی، دری زردشتی، سبزواری، شاهرودی، کردی کرمانشاه، کردی روستای حریر، کردی کلیایی و لکی کاکاوندی قزوین به کار می‌رود:

- دارم می‌پوشم (گویش کلیمیان اصفهان) 55) dār-un-puš-un-e
 داشتم می‌پوشیدم (گویش کلیمیان اصفهان) dārt-om-pušd-om-e
 دارم می‌آیم (گویش کلیمیان بروجرد) dār-om-y-om
 داشتم می‌آمدم (گویش کلیمیان بروجرد) dārt-em-omi-yom
 داشتم می‌خوردم (گویش کلیمیان همدان) dārt-em-xort-em
 دارم می‌خورم (گزی) dār-ān-xer-ān-e
 دارم می‌خورم (جیرفتی) dār-om-a-xowar-om
 داشتم می‌خوردم (جیرفتی) dāšt-om-a-xoward-om
 دارم می‌خورم (خانیکی) dar-om-ma-xor-om
 داشتم می‌رفتم (خانیکی) dāšt-om-ma-raft-om
 دارم می‌نشینم (نائینی) dōr-i-hē-nig-i
 داشتم می‌رفتم (نائینی) dōrt-i-šo-yi
 دارم می‌آیم (سدهی) dār-ān-o-yān-e
 داشت می‌آمد (زابلی) dešt-ə-mi-yoma-φ
 داشت می‌رفت (دلیجانی) dard-eš-a-šd-a
 داشتی می‌دویدی (دری زردشتی) dōšt-i-yo-davud-i
 دارم می‌روم (سبزواری) der-om-me-r-om
 دارم می‌خوانم (شاهرودی) dār-om-ho-xān-om
 داشتم می‌رفتم (شاهرودی) dāšt-om-he-raft-om
 دارم می‌روم (کردی کرمانشاه) der-em-č-em

داشتم می‌رفتم (کردی کرمانشاه) *dāšt-em-či-yā-m*
 دارم می‌خورم (کردی روستای حریر) *der-em-a-xwa-m*
 داشتم می‌خوردم (کردی روستای حریر) *dāšt-em-a-xwārd-em*
 دارم می‌نشینم (کردی کلیایی) *der-em-a-niš-em*
 داشتم می‌نشستم (کردی کلیایی) *dāšt-em-a-niš-t-em*
 دارم می‌خوانم (لکی کاکاوندی قزوین) *der-em-ma-xān-em*
 داشتم می‌خواندم (لکی کاکاوندی قزوین) *dāšt-em-ma-xānā-m*

۲۰. [dar-] و گونه‌های آن همراه با فعل «بودن»

در این نوع استمرار گونه‌های پیشوند [dar-] همراه با فعل بودن در گویش‌های گیلکی رشت، گیلکی حسن‌کیاده، گیلکی دستک، گیلکی املش، مازندرانی کلاردشت، مازندرانی ساری، مازندرانی کلیج‌خیل، مازندرانی تنکابن، مازندرانی سوادکوه و افتری به کار می‌رود. گونه‌های [dar-] به صورت‌های زیرند:

الف. [dar-]

دارم می‌خورم (گیلکی حسن‌کیاده) *56) xor(d)-dar-am*
 داشتم می‌خوردم (گیلکی حسن‌کیاده) *xor(d)-dar-a-bo-m*
 دارم می‌خورم (گیلکی دستک) *xor(d)-dar-am*
 داشتم می‌خوردم (گیلکی دستک) *xor(d)-dar-a-bo-m*
 دارم می‌برم (مازندرانی کلاردشت) *dar-eme-bar-eme*
 دارم می‌خورم (مازندرانی ساری) *dar-eme-xor-eme*
 دارم می‌خورم (مازندرانی کلیج‌خیل) *dar-eme-xer-em-be*
 دارم می‌خورم (مازندرانی تنکابن) *dar-om-bo-xār-om*
 دارم می‌خورم (مازندرانی سوادکوه) *dar-em-be-xer-em-be*
 دارم می‌نشینم (افتری) *dar-i-ner-enn-i*

ب. [dər-]

دارم می‌خورم (گیلکی رشت) *57) xurdən-dər-əm*
 دارم می‌خورم (گیلکی املش) *xordə-dər-əm*

ج. [du-]

داشتم می‌خوردم (گیلکی رشت) *58) xurdən-du-bu-m*

د. [ar-]

دارم می‌سوزم (گیلکی حسن‌کیاده) *59) sut-ar-am*

داشتم می‌سوختم (گیلکی حسن‌کیاده) sut-ar-a-bo-m

ه. [də-]

داشتم می‌خوردم (گیلکی املش) 60) xordə-də-bo-m

و. [da-]

داشتم می‌بردم (مازندرانی کلاردشت) 61) da-bi-yame-bar(d)-imi-yame

داشتم می‌خوردم (مازندرانی ساری) da-y-me-xord-eme

داشتم می‌خوردم (مازندرانی کلیچ‌خیل) da-y-me-xerd-eme

داشتم می‌خوردم (مازندرانی سوادکوه) da-y-me-xerd-eme

داشتم می‌نشستم (افتری) da-bošt-i-mi-nerāšt-i

ز. [dâ-]

داشتم می‌خوردم (مازندرانی تنکابن) 62) dā-bā-m-bo-xār-om

۲۱. بدون نشانه

استمرا در بعضی از صیغه‌های فعلی و در بعضی از گویش‌ها هیچ نشانه خاصی ندارد. این مورد را در گویش‌های گیلکی رشت، گیلکی حسن‌کیاده، گیلکی دستک، گیلکی املش، مازندرانی کلاردشت، مازندرانی ساری، مازندرانی کلیچ‌خیل، مازندرانی سوادکوه، تاتی کلور، تالشی طاسکوه ماسال، واران، بلوچی، نائینی، کردی کرمانشاه، گویش کلیمیان همدان و گویش کلیمیان بروجرد می‌توان یافت:

می‌خورم (گیلکی رشت) 63) xur-əm

می‌خورم (گیلکی حسن‌کیاده) xor-ama

می‌خورم (گیلکی دستک) xor-am

می‌خوردم (گیلکی دستک) xord-am

می‌خورم (گیلکی املش) xor-əm

می‌خوردم (گیلکی املش) xord-əm

می‌خورم (مازندرانی کلاردشت) xor-eme

می‌خورم (مازندرانی ساری) xor-me

می‌خوردم (مازندرانی ساری) xord-eme

می‌خوردم (مازندرانی کلیچ‌خیل) xerd-eme

می‌خوردم (مازندرانی سوادکوه) xerd-eme

می‌زنم (تاتی کلور) zan-em

می‌بینم (تالشی طاسکوه ماسال) vin-əm

- xor-om (می‌خورم (وارانی)
 war-om (می‌خورم (بلوچی)
 xur-i (می‌خورم (نائینی)
 hē-nig-i (می‌نشینم (نائینی)
 hē-nigišt-i (می‌نشستم (نائینی)
 xwa-m (می‌خورم (کردی کرمانشاه)
 ber-ān (می‌ترم (گویش کلیمیان همدان)
 xort-em (می‌خوردم (گویش کلیمیان همدان)
 vā-m (می‌گویم (گویش کلیمیان بروجرد)
 vā-pars-om (می‌پُرسم (گویش کلیمیان بروجرد)
 vāt-em (می‌گفتم (گویش کلیمیان بروجرد)
 xort-em (می‌خوردم (گویش کلیمیان بروجرد)

برای این که نبود نشانه استمرار در مثال‌های بالا روشن‌تر شود، در زیر چند مثال از گذشته ساده این افعال آورده می‌شود:

- bu-xord-am (خوردم (گیلکی دستک)
 bu-xord-əm (خوردم (گیلکی املش)
 ba-xord-eme (خوردم (مازندرانی سازی)
 ba-xerd-eme (خوردم (مازندرانی کلیج‌خیل)
 ba-xerd-eme (خوردم (مازندرانی سوادکوه)
 hē-nigišt-i (نشستم (نائینی)
 be-m-xort (خوردم (گویش کلیمیان همدان)
 be-m-xor(t) (خوردم (گویش کلیمیان بروجرد)

نتیجه‌گیری

از مطالب فوق نتایج زیر حاصل می‌شود:

– نشانه استمرار را در گویش‌های ایرانی می‌توان به هشت طبقه کلی تقسیم کرد:

۱. گونه‌های [andar]، که به صورت‌های [anda-] (ش ۴۷)؛ [dar-]، [dər-]، [du-]، [ar-]، [dɑ-]، [dɑ-]، [dɑ-] (ش ۵۶-۶۲)؛ [da-]، [de-]، [d-]، [ed-] (ش ۱-۶)؛ [a-] (ش ۷-۱۴)؛ [-en]، [-ən]، [-(e)m]، [-n] و [-(e)nn] (ش ۲۵-۲۸)؛ [-e] (ش ۱۵-۲۰)؛ [-i] (ش ۲۲-۲۳) و [-imi] (ش ۲۴) همراه با فعل کمکی بودن یا فعل اصلی به کار می‌روند.
۲. گونه‌های [hami]، که به صورت‌های [hemi-] (ش ۲۹)؛ [hen-]، [he-]، [ho(n)-]

(ش ۳۰-۳۲)؛ [i-] (ش ۲۱)؛ [mi-]، [mo-]، [ma-]، [mâ-]، [me-]، [mē-]، [mey-]، [m-] (ش ۳۳-۴۰) و [o-] (ش ۴۱) در گویش‌های مختلف به کار می‌روند.

۳. گونه‌های [-â]، که به صورت‌های [-â]، [-â]، [-â]، [-yâ] و [-iyâ] (ش ۴۲-۴۵) به کار می‌روند.

۴. کاربرد فعل کمکی ایستادن همراه با فعل اصلی (ش ۵۴).

۵. کاربرد فعل کمکی داشتن همراه با فعل اصلی (ش ۵۵).

۶. کاربرد فعل استمراری همراه با فعل التزامی یا نشانه‌ی التزامی [bi-] و [be-] (ش ۵۲-۵۳).

۷. کاربرد کلماتی خاص، گاه به معنای «به» یا «در»، مانند [ma]، [ba]، [ne]، [awa]، [kerâ]، [kera] و [hey] یا [hay] به همراه فعل اصلی (ش ۴۶ و ۴۸-۵۱).

۸. بدون کاربرد نشانه‌ای خاص (ش ۶۳).

– نشانه‌ی استمرار، در گویش‌های ایرانی، هم به صورت وند و هم به صورت کلمه است.

– نشانه‌ی استمرار، در گویش‌های ایرانی، هم قبل از ستاک فعلی، هم بین ستاک فعلی و شناسه‌ی فعلی و هم پس از شناسه‌ی فعلی قرار می‌گیرد.

– گونه‌های [-i]، [-en]، [-æn]، [-(e)m]، [-n] و [-(e)nn] تنها در گویش‌های گیلکی، تالشی، مازندرانی و افری به کار می‌روند (ش ۲۲-۲۳ و ۲۵-۲۸).

– گونه [e]، به صورت پسوندد، پس از شناسه‌ی فعلی، تنها در گویش‌های گزی، سدهی، دری زردشتی و گویش کلیمیان اصفهان کاربرد دارد (ش ۲۰).

– در گویش دری زردشتی گرچه می‌توان [e] را به صورت پسوندد در پایان فعل به کار برد، غالباً، به صورت پیشوند، قبل از ستاک فعلی قرار می‌گیرد (ش ۱۵-۱۸ و ۲۰).

– گونه [imi-] تنها در مازندرانی کلاردشت کاربرد دارد (ش ۲۴).

– گونه‌های [hemi-] تنها در گویش شاهرودی کاربرد دارند (ش ۲۹-۳۲).

– گونه‌های [-â] و [â] غالباً در گویش‌های بلوچی، خنجی، کُزشی، گراشی، اوزی، لاری و گویش کلیمیان همدان به کار می‌روند (ش ۴۲).

– گونه [-â]، به صورت پیشوند، معمولاً از ترکیب وند استمرار [a-] و واکه قبل از آن به دست می‌آید (مثال‌های خنجی، ش ۴۲).

- گونه [anda-] تنها در تالشی میرزاق اردبیل به کار می‌رود (ش ۴۷).
- پیشوند [dar-] و گونه‌های آن همراه با فعل بودن تنها در گویش‌های گیلکی، مازندرانی و افتری کاربرد دارند (ش ۵۶-۶۲).
- نشانه‌آستمرار [ne] تنها در بندرعباسی کاربرد دارد (ش ۴۶).
- نشانه‌های [kerá] و [kera] تنها در تاتی کلور و گیلکی به کار می‌روند (ش ۴۸).
- نشانه‌های [ma] و [ba] تنها در بلوچی و کُرسی به کار می‌روند (ش ۵۰).
- نشانه‌آستمرار به صورت فعل کمکی ایستادن تنها در تاجیکی کاربرد دارد (ش ۵۴).
- پیشوند [da-] به همراه فعل اصلی تنها در گویش‌های کردی مهاباد و کردی خراسان کاربرد دارد (ش ۱-۳) و به همراه فعل کمکی بودن در گویش‌های مازندرانی و افتری (ش ۶۱).
- نبود نشانه‌آستمرار بیشتر در گویش‌های گیلکی و مازندرانی مشهود است. به نظر می‌رسد نقش نشانه‌آستمرار در این گویش‌ها به مرور زمان کم‌رنگ شده است (ش ۶۳).
- به نظر نگارنده و با توجه به شواهد موجود، می‌توان پیشوندهای [i-] (ش ۲۱) و [o-] (ش ۴۱) را گونه‌هایی از [hami] یا [mi-] دانست و پیشوند [e-] (ش ۱۵-۱۹) و پسوندهای [i-] (ش ۲۲ و ۲۳) و [-e] (ش ۲۰) را گونه‌هایی از [andar] یا [da-] به شمار آورد.
- به نظر می‌رسد گویش‌های گیلکی، مازندرانی و تالشی، از سویی، و گویش‌های بلوچی، لاری، خنجی و گونه‌های آنها، از سوی دیگر، از لحاظ نشانه‌آستمرار، با دیگر گویش‌های ایرانی تفاوت بیشتری داشته باشند.

منابع

- آهنی، محمدرضا، ۱۳۷۳، بررسی گویش ایبانه از توابع نظنز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه زبان‌شناسی دانشگاه تهران؛ ابوطالب، آذر، ۱۳۷۳، بررسی گویش تاتی در ینگی امام، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه زبان‌شناسی دانشگاه تهران؛ اسماعیلی، محمدمهدی، ۱۳۷۴، گویش کُزی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه فرهنگ و زبان‌های باستانی دانشگاه شیراز؛ اشرفی خوانساری، مرتضی، ۱۳۸۰، «ویژگی‌های افعال در گویش خوانساری»، مقاله ارائه‌شده در نخستین هم‌اندیشی گویش‌شناسی ایران در فرهنگستان زبان و ادب فارسی؛ امیریان بودالو، ربابه، ۱۳۸۰، گویش تالشی میرزاق استان اردبیل، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی تهران، گروه زبان‌شناسی؛ پورعابدی نائینی، حسن، ۱۳۷۲، گویش نائینی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه زبان‌شناسی دانشگاه تهران؛ پولادی درویش، میترا، ۱۳۷۹، توصیف ساختمان فعل در گویش

بهدینان مرکز شهر یزد، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی تهران، گروه زبان‌شناسی؛ ترقی اوغاز، حسنعلی، ۱۳۷۹، «ساختمان فعل در گویش کرمانجی خراسان»، مجله‌ی زبان‌شناسی، س ۱۵، ش ۲، ص ۵۹-۸۲؛ ثمره، یدالله، ۱۳۵۵، «پاره‌ای از ویژگی‌های دستوری گویش دری، گونه‌ی زین‌آبادی»، مجله‌ی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، جشن‌نامه‌ی دکتر محمد مقدم، س ۲۳، ش ۴، ص ۵۱-۷۷؛ جمفری، محمدجواد، ۱۳۷۴، بررسی گویش سوادکوهی، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، گروه زبان‌شناسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی؛ جلالی، لمیا، ۱۳۷۹، گویش املشی، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی تهران، گروه زبان‌شناسی؛ خنجی، لطفعلی، ۱۳۷۸، دستور زبان لارستانی بر مبنای گویش خنجی، انتشارات دانشنامه‌ی فارس؛ زمر‌دیان، رضا، ۱۳۶۸، بررسی گویش قان، انتشارات آستان قدس رضوی؛ ساداتی، سیدمجید، ۱۳۷۴، بررسی گویش دماوندی، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، گروه زبان‌شناسی دانشگاه تهران؛ سرمست دستک، داود، ۱۳۷۱، گویش گیلکی حسن‌کیاده (کیاشهر)، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، گروه زبان‌شناسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی؛ سلطانی‌نژاد، فرشته، ۱۳۷۹، مقایسه‌ی گونه‌های زبانی باغی و جیرفتی، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، گروه زبان‌شناسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی؛ سمائی، سیدمه‌دی، ۱۳۷۰، بررسی گویش تنکابن، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، گروه زبان‌شناسی دانشگاه تهران؛ شکری، گیتی، ۱۳۷۴، گویش ساری، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی؛ صفری، حسین، ۱۳۷۳، گویش دیجان، ناشر: مؤلف؛ ظاهری، عباس، ۱۳۷۰، گویش تاتی تاکستان، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، گروه زبان‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی؛ عبدلی، علی، ۱۳۶۳، فرهنگ تاتی و تالشی، انتشارات دهخدا، بندر انزلی؛ عمرانی، غلامرضا، ۱۳۷۸، «توصیف واجی گویش سیستان (شهر زابل)»، مجله‌ی زبان‌شناسی، س ۱۴، ش ۱ و ۲، ص ۱۰۶-۱۴۱؛ فتحی، آذر، ۱۳۷۱، ساخت فعل در گویش بندرعباسی، لهجه‌ی محله‌ی پشت شهر، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، گروه زبان‌شناسی دانشگاه تهران؛ فره‌وشی، بهرام، ۱۳۴۱، تحلیل سیستم فعل در لهجه‌ی سده‌ای، ضمیمه‌ی مجله‌ی دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تهران، س ۱۰، ش ۲؛ کلباسی، ایران، ۱۳۶۲، گویش کردی مهاباد، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی؛ —، ۱۳۶۷ الف، «دستگاه فعل در گویش لاری»، مجله‌ی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، س ۲۱، ش ۱، ص ۱۴۵-۱۷۰؛ —، ۱۳۶۷ ب، «ارگتیو در زبان‌ها و گویش‌های ایرانی»، مجله‌ی زبان‌شناسی، س ۵، ش ۲، ص ۷۰-۸۷؛ —، ۱۳۷۰، فارسی اصفهانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی؛ —، ۱۳۷۱، «تنوع لهجه‌ها در گویش گیلکی»، مجله‌ی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، س ۲۵، ش ۴، ص ۹۳۴-۹۷۶؛ —، ۱۳۷۳، گویش کلییان اصفهان (یک گویش ایرانی)، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی؛ —، ۱۳۷۴ الف، «مقایسه‌ای میان گویش‌های کردی مهاباد، سنندج و کرمانشاه»، مجله‌ی علمی و پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء، س ۵، ش ۱۳ و ۱۴، ص ۵۹-۸۰؛ —، ۱۳۷۴ ب، فارسی ایران و تاجیکستان (یک بررسی مقابله‌ای)، دفتر مطالعات سیاسی بین‌المللی وزارت امور خارجه؛ —، ۱۳۷۶، گویش کلاردشت (رودبارک)، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی؛ لثاف خانیکی، مجید، ۱۳۸۰، «ساختمان فعل در گویش روستای خانیک»، ارائه شده در نخستین هم‌اندیشی گویش‌شناسی ایران در فرهنگستان زبان و ادب فارسی؛

مقیبی، افضل، ۱۳۷۳، بررسی گویش بویراحمد، انتشارات نوید شیراز؛ نغزگوی کهن، مهرداد، ۱۳۷۳، بررسی گویش تالشی دهستان طاسکوه ماسال، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه زبان‌شناسی دانشگاه تهران؛ نیلی‌پور، رضا و محمد تقی طیب، ۱۳۶۴، «توصیف ساختمانی دستگاه فعل لهجهٔ واران»، مجلهٔ زبان‌شناسی، س ۲، ش ۱ و ۲، ص ۵۱-۹۲ و ۸۱-۹۲؛ همایون، همداخت، ۱۳۷۱، گویش اتری، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی؛ یوسفیان، پاکزاد، ۱۳۷۱، گویش بلوچی لاشاری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه زبان‌شناسی دانشگاه تهران.

LAMBTON, Ann K. S., 1938, *Three Persian Dialects*, The Royal Asiatic Society, London; MAHAMEDi, Hamid, 1979, "On the Verbal System in Three Iranian Dialects of Fārs", *Studia Iranica*, Paris, Tome 8, Fascicule 2, pp. 277-297; SAHIM, Haideh, 1994, "The Dialect of the Jews of Hamedan", in *frano-Judaica III*, pp. 171-181; YARSHATER, Ehsan, 1989, "The Dialect of Borujerd Jews", in *AIO*, Edena curaverunt L. de Meyer et E. Haerinck, II, pp. 1030-1045; ----, 1989, "The Dialect of Arān and Bidgol", *Studia Iranica*, Paris, Cahier 7, pp. 371-383; ----, 1996, "The Taleshi of Asālem", *Studia Iranica*, Paris, Tome 25, Fascicule 1, pp. 83-112.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی